

تبیین چارچوب رقابت پذیری پایدار در راستای توسعه فضایی ناحیه اراک

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۱۱ پذیرش نهایی: ۹۹/۵/۱۳

صفحات: ۳۵۷-۳۸۱

مینا افتخارنیا: دانشجوی دکتری شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

Email: mina.eftekharnia@gmail.com

کرامت‌الله زیاری: استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، ایران.

Email: zayyari@ut.ac.ir

مجید نادری: استادیار گروه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

Email: sm.naderi@yahoo.com

چکیده

امروزه مفهوم رقابت به‌گونه‌ای در جهان گسترش یافته که تمام کشورها و دولت‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای یا محلی در جست‌وجوی راهی برای گسترش و اصلاح شرایط اقتصادی به نفع سرمایه‌گذاری‌هایی هستند تا رقابت‌پذیری را تحریک کنند. بررسی راهبردهای توسعه مناطق از طریق رقابت‌پذیری بیشتر در حوزه روابط سرمایه‌داری تعریف می‌شود و کمتر نشانی از مفهوم توسعه پایدار دارد. از سوی دیگر با توجه به ارتباط پیچیده بین سیستم‌های محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی، با ورود مفهوم رقابت‌پذیری در فرایند توسعه، بدون توجه به سایر زیرسیستم‌های یادشده، زمینه افزایش آسیب‌های محیطی و اجتماعی در سیستم‌های شهری و منطقه‌ای به وجود آمده و پیامدهایی را مانند توسعه ناموزون، افزایش تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش مصرف انرژی، ترافیک و سایر مسائل اجتماعی و فرهنگی و محیطی را به همراه داشته است؛ به‌نحوی که هم‌اکنون بسیاری از کلان‌شهرهای دنیا و حتی ایران با این مسائل درگیر هستند. در این پژوهش با توجه به ماهیت پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای به‌منظور بررسی ادبیات نظری مرتبط با پژوهش و برای شناسایی نماگرهای مرتبط با تحلیل فضایی از روش‌های تحلیل محتوا استفاده شده است. در این راستا، ابتدا فعالیت‌های دارای برتری رقابتی در ناحیه اراک با استفاده از روش شاخص‌سازی مورد تحلیل فضایی قرار گرفته و جایگاه شهرها و شهرستان‌ها بر اساس قابلیت رقابت در فعالیت‌های دارای برتری رقابتی مشخص شده است. سپس با توجه به چشم‌انداز ترسیم‌شده برای ناحیه اراک، راهبردها، سیاست‌ها و احکام فضایی پیشنهادی جهت کاربست در منطقه تدوین شده‌اند.

کلید واژگان: رقابت‌پذیری منطقه‌ای، پایداری، توسعه فضایی، ناحیه اراک.

مقدمه

امروزه رقابت به گفتمان غالب در سیاست عمومی کشورهای مختلف تبدیل شده است. این مفهوم به گونه‌ای در جهان امروز گسترش یافته است که تمام کشورها و دولت‌ها در سطوح ملی و منطقه‌ای یا محلی در جست‌وجوی راهی برای گسترش و اصلاح شرایط اقتصادی به نفع سرمایه‌گذاری‌هایی هستند تا رقابت‌پذیری را تحریک کنند و علت اصلی تغییر مسیر راهبردهای توسعه منطقه‌ای به سمت ایجاد رقابت در سال‌های اخیر در سطح مناطق از طریق بهبود و افزایش بهره‌وری و جذب شرکت‌های نوآور و سرمایه‌های سیال همین مسئله رقابت‌پذیری است. بررسی راهبردهای توسعه مناطق از طریق رقابت‌پذیری بیشتر در حوزه روابط سرمایه‌داری تعریف می‌شود و کمتر نشانی از مفهوم توسعه پایدار دارد. از سوی دیگر با توجه به ارتباط پیچیده بین سیستم‌های محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی، با ورود مفهوم رقابت‌پذیری در فرایند توسعه، بدون توجه به سایر زیرسیستم‌های یادشده، زمینه افزایش آسیب‌های محیطی و اجتماعی در سیستم‌های شهری و منطقه‌ای به وجود آمده و پیامدهایی را مانند توسعه ناموزون، افزایش تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش مصرف انرژی، ترافیک و سایر مسائل اجتماعی و فرهنگی و محیطی را به همراه داشته است؛ به نحوی که هم‌اکنون بسیاری از کلان‌شهرهای دنیا و حتی ایران با این مسائل درگیر هستند. تقویت رقابت‌پذیری در سطح مناطق مختلف کشور و بهره‌برداری بهینه از منابع در توسعه سرزمین ایران و به تبع مناطق آن نیازمند رفع کمبودها و چالش‌های موجود در نظام نامتعادل توسعه فضایی سرزمین است.

در کشور ما از آغاز برنامه‌ریزی ملی، همواره به جنبه‌های منطقه‌ای توسعه توجه شده و از برنامه‌ی عمرانی سوم عملاً تفکر منطقه‌ای، علی‌الخصوص مفهوم تمرکززدایی، وارد متون برنامه‌ریزی شده و تاکنون ادامه داشته است. با این همه به گواهی اطلاعات موجود، برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملی توفیق چندانی در منطقه‌ای کردن توسعه و تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای نداشته‌اند، چراکه نتوانسته‌اند نابرابری‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین مناطق را کاهش دهند. فقر شدید در برخی مناطق کشور، نابرابری فرصت‌های شغلی، توزیع نابرابر امکانات و در نتیجه سیل مهاجرت از پیرامون به مرکز، کماکان مسائل اصلی توسعه در کشور محسوب می‌شوند (داداش-پور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۱ و ۱۱۲). موفقیت‌های اقتصادی کشور بسیار محدود است و آسیب‌های اجتماعی و محیطی ناشی از توسعه خواهی اقتصادی از هم اکنون نمایان شده است و در حال حاضر بسیاری از مناطق و کلانشهرهای کشور با معضلات توسعه ناموفق اقتصادی مواجه‌اند. در این سال‌ها کم‌توجهی به استعدادها و امکانات بالقوه‌ی مناطق که می‌توانند محمل توسعه منطقه‌ای شده و عامل ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای باشند، باعث استمرار و گاه تشدید عدم تعادل‌ها در فضای سرزمینی شده و توسعه‌ی مناطق را به امری حاشیه‌ای تبدیل کرده است. از این‌رو با گذشت چند دهه از ورود مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای به متون نظری و تجربی برنامه‌ریزی در ایران، نیل به توسعه‌ی متوازن با تأکید بر مزیت رقابتی، تمرکززدایی از جمعیت، فعالیت و امکانات همچنان دغدغه‌ی اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور است (داداش‌پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۲ - ۱۸۰).

بررسی وضعیت توسعه اقتصادی در سطح ناحیه اراک نشان‌دهنده معضلات و مسائل مختلف محیطی و اجتماعی با وجود تمرکز فعالیت‌های صنعتی و فعالیت‌های مرتبط با بخش انرژی است. با وجود تنوع فعالیتی در

منطقه، نمی‌توان این منطقه را به‌عنوان یکی از مناطق رقابت‌پذیر اقتصادی در حوزه تولیدات صنعتی و انرژی دانست. نماگرهای مربوط به وضعیت اجتماعی و محیطی این منطقه تا حد قابل‌توجهی پایین بوده و ساکنین شهر اراک و منطقه پیرامونی با مسائل معضلات اجتماعی فراوانی درگیر هستند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲). ایجاد منطقه‌ای رقابت‌پذیر فرآیندی طولانی و پیچیده است، اما به تجربه ثابت‌شده است که دستیابی به رقابت‌پذیری برای پیگیری پایدارترین توسعه منطقه‌ای ممکن است. در این راستا باید مدیران و برنامه‌ریزان به منظور توسعه پایدار کشور و مناطق، کاهش فشارهای رشد اقتصادی ناشی از رقابت‌پذیری و افزایش انسجام اجتماعی و پایداری محیطی تلاش کنند تا بتوانند در سطح محلی و منطقه‌ای، از فشارها و خطرات رقابت ناسالم و آلاینده و جذب سرمایه‌های فرار بکاهند و زمینه ماندگاری سرمایه و اشتغال را در کنار سلامت محیط و جامعه فراهم آورند. بنابراین، پرداختن به موضوع رقابت‌پذیری پایدار در کشور ایران و ناحیه اراک حائز اهمیت است تا بتوان به‌الگو و چارچوبی پایدار جهت توسعه فضایی منطقه دست یافت.

هدف از تدوین این مقاله ارائه چارچوبی برای توسعه فضایی پایدار ناحیه اراک بوده است. برای این منظور، به مکانیابی فعالیت‌های دارای پتانسیل رقابت‌پذیری پرداخته شده است. با انتخاب محدوده‌های مناسب برای فعالیت‌های متناسب و سازگار، توسعه به صورت پایدار رقم خواهد خورد. در این زمینه سعی شده است تا راهبردها و سیاست‌های توسعه فضایی نیز تدوین شوند. در واقع در این پژوهش سعی شده تا ضمن مروری بر ادبیات مرتبط با رقابت‌پذیری پایدار، فعالیت‌های دارای برتری رقابتی پایدار^۲ در ناحیه اراک با استفاده از روش شاخص‌سازی مورد تحلیل فضایی قرار گرفته و جایگاه شهرها و شهرستان‌ها بر اساس قابلیت رقابت‌پذیرش نوع فعالیت‌های دارای برتری رقابتی مشخص شود. سپس با توجه به چشم‌انداز ترسیم‌شده برای ناحیه اراک، راهبردها، سیاست‌ها و احکام فضایی پیشنهادی جهت کاربست در منطقه تدوین شده‌اند.

مبانی نظری

در عصر امروز رقابت‌پذیری منطقه‌ای به‌مثابه یکی از رویکردهای نوین توسعه‌ی منطقه‌ای، مورد تأکید زیادی قرار گرفته است (لنگیال^۳، ۲۰۰۴: ۳۲۳؛ کاماگنی^۴، ۲۰۰۲: ۲۳۹۵؛ هاواری^۵ و همکاران، ۲۰۰۰: ۱). اهمیت مفهوم رقابت‌پذیری با افزایش مسائل به‌وجودآمده در این حوزه به سرعت افزایش یافته و از لحاظ نظری کامل‌تر شده است (هاگینز^۶ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۵۶). جهانی‌شدن به عنوان اصلی‌ترین عامل همگرایی‌های اقتصادی در سطوح بین‌المللی، از طریق جریان‌ات در گردش سرمایه‌های جهانی و با کمک تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات توانسته است سازمان فضایی جدیدی سیستم‌های سکونتگاهی را در سطح ملی و بین‌المللی دگرگون سازد و

۲. زیاری و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان "شناسایی فعالیت‌های رقابت‌پذیر در ناحیه اراک با رویکرد پایداری اقتصادی" فعالیت‌های دارای برتری رقابتی پایدار در ناحیه اراک را تعیین نموده‌اند. مقاله مورد اشاره بر اساس پایان‌نامه سرکار خانم افتخارنیا با عنوان "تبیین چارچوب رقابت‌پذیری پایدار در راستای توسعه فضایی ناحیه اراک" با راهنمایی آقای دکتر زیاری تدوین شده است. فرایند تعیین فعالیت‌های رقابت‌پذیر پایدار در ناحیه اراک در پیوست ۱ آمده است.

۳. Lengyel

۴. Camagni

۵. Huovari

۶. Huggins

سازمان‌بندی جدیدی را به وجود آورد (رفعیان و فرجام، ۱۳۹۰: ۱۴۵). جهانی شدن اقتصاد موجب ایجاد تغییرات شگرفی در شهرهای سراسر جهان شده است. این تغییرات تنها اقتصادی نبوده و جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری را نیز دربر می‌گیرد (جمالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶). با تسریع فرایند جهانی شدن و افزایش گستره اقتصاد مبتنی بر دانش اطلاعات، مفهوم رقابت‌پذیری و سنجش آن در بین شهرها و مناطق توجه زیادی از برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان شهری و منطقه‌ای را به خود جلب کرده است (پورصفوی و جعفری، ۱۳۹۶: ۸۰۷). در شرایط جهانی فعلی، نه تنها شرکت‌ها و کشورها، بلکه مناطق هم با یکدیگر رقابت می‌کنند تا با دستیابی به مزیت رقابتی در اقتصاد جهانی و دسترسی به بازارهای جدید، به یک مزیت‌های رقابتی منطقه‌ای برسند (دینیس^۷، ۲۰۰۴: ۲). از دهه ۱۹۹۰، ایده‌ی رقابت‌پذیری منطقه‌ای مبنی بر نقش موقعیت جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی بر رقابت‌پذیری و صرفه‌های اقتصادی ناشی از جهانی‌شدن، در محافل عمومی سیاسی کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه به یک موضوع غالب تبدیل شده است (بریستو^۸، ۲۰۰۵: ۲۸۵). نکته کلیدی در بحث رقابت‌پذیری منطقه‌ای این است که دستیابی به مجموعه‌ای روشن از دستورالعمل‌ها و اعمال سیاست‌های فراتر از مؤسسات منطقه‌ای، سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد که راه‌های مناسب دستیابی به موفقیت را از مناطق موفق سرمشق گرفته و در مناطق خودشان به کار گیرند (بریستو، ۲۰۰۵: ۲۹۷-۳۰۰). در واقع، رقابت‌پذیری قابلیت یک منطقه برای جذب و حفظ شرکت‌هایی است که سهمی پایدار و یا رو به رشد از بازار را در فعالیتی خاص به خود اختصاص داده‌اند و در عین حال که در حفظ و ارتقای سطح زندگی مردم منطقه نقش دارند، منطقه‌ای رقابت‌پذیر خواهد بود که تولید ارزش‌افزوده پایدار، بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان را امکان‌پذیر سازد (داداش‌پور و ده ده جانی، ۱۳۹۴: ۳۱). از نظر دیکسترا^۹، رقابت‌پذیری منطقه‌ای توانایی عرضه محیطی جذاب و پایدار برای شرکت‌ها و ساکنان برای زندگی و کار است (دیکسترا^{۱۰}، ۲۰۱۱: ۳). به عقیده منتقدان این دیدگاه، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای بین سطوح خرد و کلان رقابت‌پذیری قرار گرفته است (بلو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱: ۳).

با آشکار شدن اهمیت سطح منطقه در سال‌های اخیر از مزایای رقابتی کشورها به مزایای رقابتی منطقه‌ها تغییر پیدا کرده و به این باور رسیده که مزیت‌های رقابتی در یک فرآیند محلی‌شده تولید و تداوم می‌یابد (پورتر^{۱۲}، ۱۹۹۰: ۱۹). رقابت‌پذیری منطقه‌ها از طریق ایجاد محیطی است که باعث افزایش بهره‌وری کسب‌وکار شده و از این طریق به موفقیت بنگاه‌های منطقه و در نهایت افزایش استانداردهای زندگی ساکنان یاری رساند. ظهور و تقویت مفهوم رقابت‌پذیری مکانی در سطح منطقه مدیون دو تفکر اصلی است که اولی دارای اهداف درونی است و دیگری دارای اهداف ملی. اگرچه شاخص رقابت‌پذیری منطقه‌ای برای اندازه‌گیری رقابت سرزمینی است، اما بر اساس تحلیل‌های سنتی گسترش یافته است که معتقد بود رقابت‌پذیری از یک اندازه‌گیری صرف

۷ . Dinis

۸ . Bristow

۹ . Dijkstra

۱۰ . Dijkstra

۱۱ . Bellu

۱۲ . Porter

اقتصادی تا عوامل ترکیبی اجتماعی را شامل می‌شود (آنونی و دیکسترا^{۱۳}، ۲۰۱۷: ۶۷). در این راستا، فراتر از چشم‌انداز تجارت، به دغدغه‌های ساکنان نیز می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که پیشرفت تنها توسط اقدامات اقتصادی و مالی اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با طیف وسیعی از شاخص‌ها ارزیابی می‌شود (آنونی و دیکسترا، ۲۰۱۹: ۲۳). "پل کروگمن" معتقد است که مناطق و کشورها نیستند که با همدیگر رقابت می‌کنند، بلکه این بنگاه‌های داخل کشورهاست که با همدیگر در رقابت‌اند. به اعتقاد وی، امکان رقابت برای مکان‌ها وجود ندارد چراکه آن‌ها نمی‌توانند به‌خودی‌خود از چرخه‌ی اقتصاد خارج شوند (کروگمن^{۱۴}، ۱۹۹۴). پل کروگمن معتقد است که شانس‌های اقتصادی یک کشور به‌طور گسترده‌ای از طریق موفقیت آن کشور در بازارهای جهانی تعیین می‌شود (کاماگنی، ۲۰۰۲: ۲۳۹۸). "روبرتو کاماگنی" در پاسخ وی اذعان می‌دارد هرچند که مکان‌ها به‌تنهایی با همدیگر رقابت نمی‌کنند، اما به‌طورقطع با مسائل مشابهی درگیر نیستند و در مواردی همچون افزایش بیکاری، کاهش درآمد سرانه، افزایش مهاجرت به خارج و مسائلی از این دست با همدیگر برابر نمی‌کنند (کاماگنی، ۲۰۰۲: ۲۳۹۹-۲۴۰۱). پس رقابت‌پذیری برای کسانی که نظریه‌ی کروگمن را قبول دارند، تنها محدود به رقابت بین بنگاه‌ها، و برای کسانی که پیرو نظریه‌ی افراد دیگری نظیر کاماگنی و مایکل پورتر هستند، عرصه‌ی رقابت تا مناطق و شهرها نیز گسترش می‌یابد. با تصویر ارائه‌شده از طریق مایکل پورتر، تلاش‌های بسیاری برای تعریف مفهوم استاندارد و توسعه‌یافته از رقابت‌پذیری منطقه‌ای در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ صورت گرفته است. به‌تبع این، تعاریف مختلفی از رقابت‌پذیری منطقه‌ای توسط سازمان‌های مختلف تدوین گردیده است. بر اساس اسناد منتشر شده توسط سازمان "تعاون و توسعه‌ی اقتصادی" در سال ۱۹۹۷، ششمین گزارش نشریه‌ی منطقه‌ای در سال ۱۹۹۹ و دومین گزارش "همبستگی اتحادیه‌ی اروپا" در سال ۲۰۰۱، تعریف استاندارد منطقه‌ای به‌صورت زیر ارائه شده است: «توانایی شرکت‌ها، صنایع، مناطق، کشورها و مناطق فراملی در ایجاد سطوح اشتغال و درآمد نسبتاً بالا را در مواقعی که در رقابت بین‌المللی ظاهر می‌شود، رقابت‌پذیری گویند» (لنگیال، ۲۰۰۴: ۳۲۶). تعریف استاندارد رقابت‌پذیری نشان می‌دهد که باید کاملاً انعطاف‌پذیر باشد و بتواند برای تعداد زیادی از اهداف مختلف به کار برده شود. باید به این نکته اشاره کرد که تعریف رقابت‌پذیری از آغاز تاکنون در حال تحول بوده و به‌سوی تکامل در حرکت بوده است. اما همه‌ی آن‌ها به ویژگی‌ها و شرایط مشترکی برای تعریف موقعیت رقابت‌پذیری منطقه‌ای اشاره دارند. از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان به "سطح اشتغال و درآمد بالا و تولید سرمایه"، "استانداردها و کیفیت بالای زندگی"، "توانایی رقابت در بازار" و "توجه به عوامل طبیعی، تاریخی و فرهنگی" اشاره نمود. درنهایت می‌توان رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به‌طورکلی به‌عنوان "توانایی مناطق در ایجاد سطوح قابل قبولی از اشتغال و درآمد، افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش‌افزوده و ماندن در صحنه‌ی رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره‌ی طولانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های تاریخی، زیست‌محیطی و فرهنگی" تعریف نمود (داداش‌پور و احمدی، ۱۳۸۹: ۵۷). به‌طور خلاصه می‌توان مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای را این‌گونه بیان کرد: "رقابت‌پذیری منطقه‌ای توانایی ایجاد محیطی پایدار برای فعالیت شرکت‌ها و زندگی ساکنین مناطق است". پایداری در این تعریف تنها به معنی

۱۳ . Annoni and Dijkstra

۱۴ . Krugman

توجه صرف به ابعاد محیط زیستی و اکولوژیکی نیست. بلکه به ظرفیت‌های منطقه برای ارائه‌ی محیط زیستی جذاب در کوتاه‌مدت و بلندمدت اشاره دارد. این بدان معنی است؛ منطقه‌ای که نمی‌تواند کیفیت زیرساخت‌های عمومی و خدمات را حفظ نماید، نتیجتاً ارائه‌دهنده محیط زیستی جذاب و پایدار نخواهد بود. برای تعادل بخشی میان مهم‌ترین ابعاد محیط‌زیست جذاب باید اهداف بهگشت فردی و موفقیت‌های تجاری به‌صورت توأمان موردنظر واقع شوند.

در این تحقیق برخی مقالات داخلی و خارجی جهت بررسی پیشینه تحقیق موردبررسی قرار گرفته‌اند که خلاصه نتایج آن‌ها در ادامه آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، رقابت‌پذیری به‌عنوان یکی از مفاهیم پرکاربرد در توسعه منطقه‌ای در سال‌های اخیر موردتوجه پژوهش‌گران داخلی و خارجی بوده است. مسعود پورصفوی و شاهین جعفری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در مناطق شهری عملکردی استان مازندران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای" مناطق شهری عملکردی استان مازندران را با استفاده از تحلیل خوشه‌ای می‌سنجند. یافته‌های تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که سه شهر بزرگ استان شامل ساری، آمل و بابل در سطح یک قرار داشته و جریانی از سرمایه‌گذاری‌ها را به سوی خود جلب کرده و محیطی کارآفرین را خلق کرده‌اند. در سطح بعدی شهرهای قائمشهر، تنکابن، بابلسر و... قرار گرفته‌اند که مهم‌ترین فرصت رقابتی آن‌ها دسترسی به نیروی کار ماهر و استخدام‌پذیری و عمده‌ترین ضعف آن‌ها در نبود پشتیبانی اقتصادی و جمعیتی این شهرها در ساخت محیطی کارآفرین و جذب سرمایه‌گذاری‌ها است. هاشم داداش‌پور و مهدی ده ده جانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تاثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای مورد مطالعاتی: استان کردستان" با شناسایی عوامل تاثیرگذار در رقابت‌پذیری منطقه‌ای در سدد اولویت‌بندی استان کردستان در خصوص وضعیت رقابت‌پذیری برآمده‌اند. این پژوهش در گام نخست، عوامل ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای را متشکل از ۴ عامل اصلی، ۲۶ معیار و ۶۲ زیرمعیار، تدوین کرده و در گام بعدی با کاربست این عوامل و مدل تحلیلی MSA و نرم افزار اکسل ضمن تحلیل داده‌هایی که از طریق توزیع پرسشنامه در میان ۲۹ نفر از نخبگان ۸ پیشران اصلی منطقه گردآوری شده بود، به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر در رقابت‌پذیری استان کردستان پرداخته است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح عامل‌ها، عامل اقتصادی با ۰,۲۴ و عامل نهادی-سیاسی با ۰,۱۸، در سطح دوم معیارهایی چون کارآمدی نظام تولید با ۰,۴۴ و سیاست‌گذاری دولتی با ۰,۴۳ بیشترین تاثیر را در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای استان کردستان دارند. در بخش پیشران‌های اقتصادی منطقه نیز بخش‌های جنگلداری، ساختمان و کشاورزی به ترتیب با ۱,۳۲، ۱,۱۷ و ۱,۰۴ رقابت‌پذیرترین بخش‌های فعالیتی استان محسوب می‌شوند. سحر ندایی طوسی (۱۳۹۳) در رساله‌ای با عنوان "چارچوب توسعه فضایی به منظور برقراری رقابت‌پذیری مکانی در سطوح بین منطقه ای تا کلانشهری-مورد پژوهی استان های ۳۰ گانه ایران و کلانشهر تهران" به دنبال پاسخ به دو سوال زیر می‌باشد، نخست چيستی رقابت پذیری منطقه ای، دوم چرایی رقابت پذیری بیشتر برخی منطقه ها نسبت به مناطق دیگر که پاسخ‌گویی به آن چگونگی دستیابی منطقه به جایگاه رقابت و چارچوب توسعه رقابت‌پذیر را مشخص می‌سازد. نتایج این پژوهش شامل شناسایی پیشران‌های منطقه‌ای درون سرزمین ایران و بررسی تاثیر این پیشران‌ها بر یکدیگر، پیشنهاد چارچوب کلان توسعه رقابت‌پذیری در مناطق ایران و

ارائه چارچوب یکپارچه سیاست‌گذاری توسعه فضایی و رقابت‌پذیری و غلبه بر رهیافت‌های تکسویه نگر در این زمینه بوده است. بررسی پژوهش‌های تهیه شده به زبان لاتین بیانگر اهمیت مفهوم رقابت‌پذیری در توسعه منطقه‌ای است. در سال‌های اخیر بررسی ابعاد پایداری در این موضوع مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بریستو (۲۰۱۰) در کتاب "بازتاب انتقادی به رقابت‌پذیری منطقه‌ای (نظریه، سیاست و عمل)" علاوه بر ارائه تعاریفی در خصوص رقابت‌پذیری، بر نقش این رهیافت در توسعه و تاب‌آوری مناطق تاکید کرده و شاخص‌هایی را در راستای رقابت‌پذیر نمودن مناطق ارائه داده است. این کتاب، نقش اقتصاد سیاسی و فرهنگی و فضای دولتی کشورها در راستای کاربرد اصول رقابت‌پذیری منطقه‌ای را اهمیت بخشیده و آن را رهیافتی در جهت پاسخ به نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی منطقه‌ای معرفی نموده است. مهمترین دستاوردهای این کتاب را می‌توان شامل: بررسی مفاهیم مرتبط با منطقه و رقابت‌پذیری منطقه‌ای و شناسایی شاخص‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای و تاثیر آن‌ها بر توسعه و تاب‌آوری مناطق معرفی کرد. الکساندراس ویتاوتاس (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان "پایداری در رقابت‌پذیری منطقه‌ای با در نظر گرفتن خطرات" جنبه‌های روش شناختی و کاربردی راهبردهای رقابت‌پذیری توسعه پایدار کشور (منطقه) و ابزارهای کاربرد آن را بررسی کرده است. در این پژوهش معیار رقابت‌پذیری منطقه‌ای به عنوان شاخص سه بعدی مفروض است که به زمینه فعالیت، روابط اقتصادی بین المللی، منابع مالی، قانونی، اکولوژیکی، طبیعی و موقعیت جغرافیایی رقابت‌پذیری محیط‌زیستی وابسته است. نتایج این پژوهش شامل ارائه تعریفی چند بعدی از رقابت‌پذیری، بررسی مفاهیم مرتبط با رقابت‌پذیری پایدار، ارائه استراتژی‌های رقابت‌پذیری پایدار در مناطق، شناسایی ویژگی‌های رقابت‌پذیری و قابلیت‌های آن در توسعه مناطق، توجه به جنبه‌های بحرانی در مدیریت و ارزیابی رقابت‌پذیری و توجه به مدیریت بحران به عنوان عامل موثر در ارتقای پایداری رقابت‌پذیری بوده است. رابرت و استیمسون (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان "توسعه اقتصاد منطقه‌ای" با روش تحلیلی چندبخشی به ارزیابی اجزای رقابت‌پذیری منطقه‌ای در هوشی مینه ویتنام پرداختند. هدف نهایی آن‌ها سنجش رقابت‌پذیری منطقه‌ای و استخراج راهبردهای توسعه بوده که از طریق شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در فرآیند توسعه و ارتقای مزیت رقابتی منطقه و هدایت سرمایه‌های مادی و انسانی به سوی آنها بررسی کرده‌اند. آنها با مطالعه بخش زیرساخت‌های راهبردی به این نتیجه رسیده‌اند که زیرساخت راهبردی کسب و کار و بازرگانی به عنوان اولویت اول سرمایه‌گذاری در بین زیرساخت‌ها و صنایع مواد غذایی اولویت اول سرمایه‌گذاری در بین خوشه‌های صنعتی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌پذیری منطقه‌ای در هوشی مینه دارند.

روش تحقیق

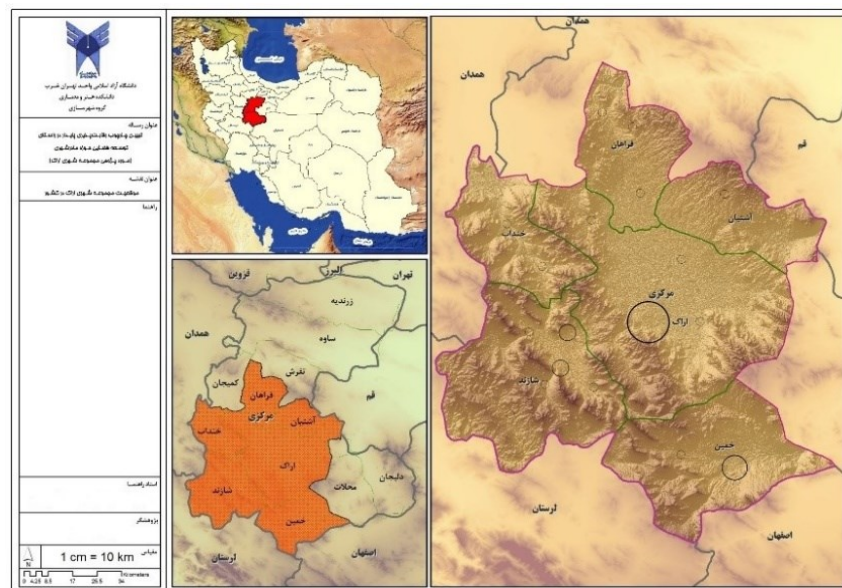
منطقه مورد مطالعه

ناحیه اراک شامل ۶ شهرستان اراک، آشتیان، خنداب، فراهان، خمین و شازند است شکل (۱). نرخ رشد جمعیت این منطقه طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برابر با منفی ۰٫۳۶ درصد بوده است، اما نرخ رشد دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ مثبت و برابر با ۰٫۶۶ درصد بوده است، از این رو می‌توان گفت که سرعت خروج جمعیت طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ افزایش یافته است. ناحیه اراک با نرخ رشد جمعیت شهری ۱٫۴۱ درصد طی دوره ۱۳۸۵ تا

۱۳۹۵ نسبت به کشور و استان نرخ رشد کمتری داشته است. همچنین بررسی شاخص‌های مربوط به تغییرات جمعیت روستایی بیانگر نرخ رشد منفی نواحی روستایی موجود در این منطقه است. از این رو باید گفت که خروج جمعیت از روستاهای منطقه به مناطق خارج از ناحیه مهم‌ترین ویژگی تغییرات جمعیت در سطح ناحیه اراک است، که روند این تغییرات طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ افزایش داشته است و خروج جمعیت از منطقه بیش از دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده است. جدول (۱).

جدول (۱): ویژگی‌های ناحیه اراک در مقایسه با کل استان و کشور

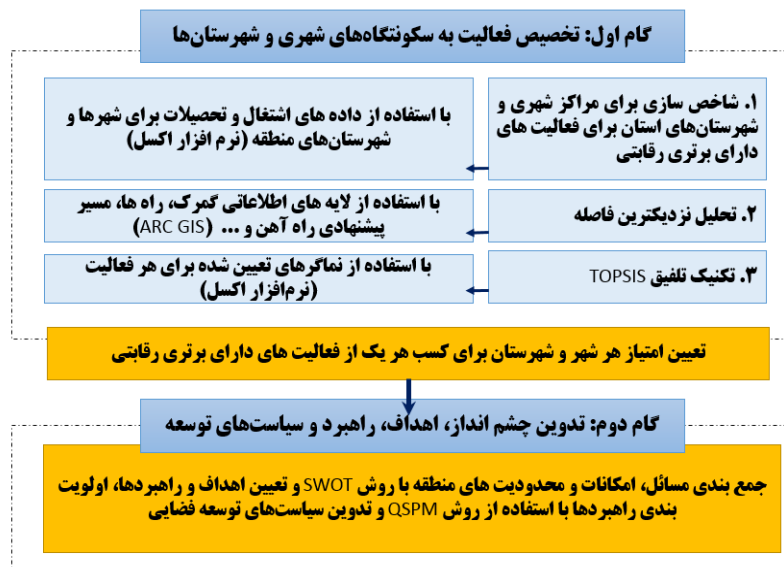
شرح	کشور	استان مرکزی	ناحیه اراک
مساحت (کیلومترمربع)	۱۶۲۰۴۲۹	۲۹۱۲۸	۱۳۲۱۰
تعداد جمعیت ۱۳۸۵ (نفر)	۷۰۴۹۵۷۸۹	۱۳۵۱۲۵۷	۹۰۰۱۷۹
تعداد جمعیت ۱۳۹۰ (نفر)	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۴۱۳۹۵۹	۹۳۰۱۵۷
تعداد جمعیت ۱۳۹۵ (نفر)	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۴۲۹۴۷۵	۹۱۳۷۱۳
نرخ رشد جمعیت ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (درصد)	۱.۲۶	۰.۵۶	۰.۱۵
نرخ رشد جمعیت ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (درصد)	۱.۲۴	۰.۲۲	-۰.۰۳۶
نرخ رشد جمعیت شهری ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (درصد)	۲.۰۶	۱.۶۷	۱.۴۱
نرخ رشد جمعیت روستایی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (درصد)	-۰.۶۵	-۲.۳۷	-۳.۰۱



شکل (۱): موقعیت ناحیه اراک در استان مرکزی و کشور

داده و روش کار

در این پژوهش با توجه به ماهیت آن از روش‌های کتابخانه‌ای به منظور بررسی ادبیات نظری مرتبط با پژوهش و برای شناسایی نماگرهای مرتبط با تحلیل فضایی از روش‌های تحلیل محتوا استفاده شده است. در این راستا، ابتدا فعالیت‌های دارای برتری رقابتی در ناحیه اراک با استفاده از روش شاخص‌سازی مورد تحلیل فضایی قرار گرفته و جایگاه شهرها و شهرستان‌ها بر اساس قابلیت رقابت در فعالیت‌های دارای برتری رقابتی مشخص شده است. استفاده از روش شاخص‌سازی و تلفیق شاخص‌ها به منظور سنجش رقابت‌پذیری در سطح منطقه یکی از روش‌های کاربردی در این پژوهش خواهد بود. در فرایند شاخص‌سازی، از شاخص‌هایی مانند بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه، سرانه ارزش‌افزوده به ازای اشتغال، ضریب فزاینده فعالیت‌ها و سایر شاخص‌ها بر اساس مطالعات نظری استفاده شده است. از جمله روش‌های مورد استفاده در تلفیق شاخص‌ها نیز عبارت‌اند از روش AHP و Topsis که در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت. سپس با توجه به چشم‌انداز ترسیم‌شده برای ناحیه اراک، راهبردها، سیاست‌ها و احکام فضایی پیشنهادی جهت کاربست در منطقه تدوین شده‌اند. فرایند و روش‌های به کار بسته شده در دو مرحله اصلی انجام شده که در ادامه توضیح داده شده است. (شکل ۲).



شکل (۲): روش‌ها و ابزارهای به کار برده شده در فرایند پژوهش

تخصیص فعالیت به سکونتگاه‌های شهری و شهرستان‌ها

به منظور تحلیل فضایی فعالیت‌های دارای برتری رقابتی در سطح منطقه، از روش شاخص‌سازی برای رتبه‌بندی شهرها و شهرستان‌ها در هر یک از فعالیت‌های شناسایی شده استفاده شده است، به این منظور، برای هر یک از فعالیت‌های دارای رقابت نماگرهای مکانی و فضایی جدول (۲) تعیین می‌شود و وضعیت شهرها و شهرستان‌ها بر اساس این نماگر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مهم‌ترین نماگرهای تعیین شده برای تحلیل وضعیت شهرها و شهرستان‌های منطقه برای فعالیت‌های دارای امکان رقابت‌پذیری به شرح جدول زیر است:

جدول (۲): نماگرهای تحلیل فضایی رقابت فعالیت‌ها بر اساس فعالیت‌های منتخب

نماگر	کشاورزی، دامداری و جنگلداری و پرورش ماهی	کشت و صنعت (فرآوری محصولات کشاورزی)	صنعت (تولید ساخت)	بازرگانی، عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه (صادرات و واردات)	استخراج معدن
فاصله تا نزدیک‌ترین راه اصلی هم‌چوار	*	*	*	*	*
فاصله تا نزدیک‌ترین راه‌آهن					*
تعداد شهرک صنعتی موجود		*	*		
اندازه جمعیتی شهری (نفر)				*	
فاصله تا نزدیک‌ترین شهر				*	
فاصله تا نزدیک‌ترین شهرک صنعتی	*	*	*		*
بهره مکانی مشاغل تأمین برق و انرژی				*	*
فاصله تا نزدیک‌ترین سد	*				
بهره مکانی خدمات تأمین جا و غذا		*	*	*	
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه		*	*		
بهره مکانی ساختمان		*	*		*
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های استخراج معدن					*
بهره مکانی خدمات مالی و بیمه		*	*	*	
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های خدمات حمل‌ونقل و انبارداری	*	*	*	*	*
بهره مکانی شاغلین تولید صنعتی (ساخت)					*
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشت و صنعت	*	*	*	*	
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی	*	*	*	*	
سهم شاغلین با تحصیلات عالی در بخش مهندسی و تولید ساخت					*

*					بهره مکانی محصلان و دانش‌آموختگان مرتبط با علوم مهندسی و تولید و ساخت
		*	*		سهم شاغلین با تحصیلات عالی در بخش کشاورزی
	*				سهم شاغلین با تحصیلات عالی در بخش بازرگانی
		*	*	*	بهره مکانی محصلان و دانش‌آموختگان مرتبط با کشاورزی
	*				بهره مکانی محصلان و دانش‌آموختگان مرتبط با بازرگانی
				*	تعداد جمعیت روستایی(نفر)
*					فاصله تا نزدیک‌ترین معدن(فعال)
*					تعداد معادن موجود(فعال و غیرفعال)
				*	فاصله تا نزدیک‌ترین رودخانه
		*	*		فاصله تا اراضی کشاورزی و باغات عمده(بیش از ۱۰۰۰ هکتار)
		*	*	*	سهم اراضی کشاورزی و باغی از کل اراضی کشاورزی و باغی منطقه(درصد)
				*	سهم اراضی کشاورزی دارای تناسب از کل اراضی دارای تناسب(درصد)
*		*	*	*	فاصله کمینه تا مرزهای کشور
*	*	*	*	*	فاصله تا نزدیک‌ترین گمرک

پس از محاسبه نماگرها، برای سنجش وضعیت رقابت در سطح شهرها از روش تاپسیس جهت تلفیق نماگرها استفاده شده است و شهرهای منطقه از نظر هر یک از فعالیت‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. روش تعیین فاصله مستقیم بین عوامل جغرافیایی یکی از روش‌های تحلیل پرکاربرد در نرم‌افزار Arc GIS است. بر اساس این روش می‌توان علاوه بر شناسایی نزدیک‌ترین عوارض مکانی نسبت به سایر عوارض میانگین فاصله عوارض مختلف را

از یکدیگر تعیین کرد. به این ترتیب می‌توان بر اساس نماگرهای تعیین‌شده، وضعیت هر شهر و شهرستان را از نظر نزدیکی به عوامل مؤثر بر اقتصاد منطقه مورد بررسی قرار داد.

تدوین چشم‌انداز و راهبردنویسی

به اعتقاد برایسون^۱ چشم‌انداز توصیف روشن و فشرده‌ای است از سیمایی که یک پدیده فضایی (شهر یا منطقه) در آینده و پس از به فعلیت درآمدن کلیه توان‌های بالقوه‌اش پیدا می‌کند. ضرورت اتکاء برنامه‌ریزی راهبردی بر چشم‌اندازسازی موجب گردیده که این امر به‌طور فزاینده‌ای در تولید اسناد رسمی برنامه‌ریزی مورد تأکید قرار گیرد. در تدوین چشم‌انداز، بایستی واقعیات وضع موجود (شامل شرایط محیط طبیعی، اقتصادی - اجتماعی کشور و مناطق)، قابلیت‌ها و امکانات، موانع و مکانیزم‌ها و آرمان‌گرایی (شامل مقاصد اصلی توسعه و خیال‌پردازی‌های برنامه ریزان) باهم مورد توجه قرار می‌گیرند (گلکار، ۱۳۸۴). به‌منظور تهیه و تولید راهبردها، روش‌های مختلفی وجود دارد که متداول‌ترین آن‌ها روش SWOT^۲ نام دارد. این ماتریس قادر است ابتدا شناخت مفیدی از مجموعه نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها در دو حوزه عوامل خارجی و داخلی تأثیرگذار بر موضوع مورد مطالعه و برنامه‌ریزی ارائه دهد و به برنامه ریزان به‌عنوان تحلیلی مؤثر در فرآیند برنامه‌ریزی کمک نماید. به‌طور کلی SWOT سعی دارد توسط راهبردهایی به پاسخ پرسش‌های زیر دست یابد:

چگونه می‌توان نقاط قوت را تقویت نمود؟

چگونه می‌توان بر نقاط ضعف غلبه نمود؟

چگونه می‌توان از فرصت‌ها بهره‌برداری نمود؟

چگونه می‌توان تهدیدات را مدیریت نمود؟

یکی دیگر از مراحل تدوین استراتژی، انتخاب استراتژی برتر است. در این مرحله سعی می‌شود با استفاده از روش تحلیلی "ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی" (QSPM^۳)، بهترین استراتژی‌ها را که بیشترین اولویت را دارا می‌باشند، انتخاب نمود (شریف‌زادگان و ملک‌پور اصل، ۱۳۹۲: ۶۵). هرکدام از استراتژی‌های اصلی و فرعی که نمره‌ی جذابیت بیشتری بیاورد، استراتژی برتر و بقیه به ترتیب رده‌بندی می‌شوند.

نتایج

بر اساس مدل تشریح شده در فصل روش‌شناسی پژوهش، در این مرحله شهرهای ناحیه اراک از نظر قابلیت‌های رقابت‌پذیری در حوزه فعالیت‌های چهارگانه (۱- تولید صنعتی و ساخت، ۲- حمل‌ونقل و انبارداری، ۳- تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب، ۴- کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی) مورد تحلیل قرار گرفته است. از این‌رو در مرحله نخست نماگرهای قابل‌سنجش برای هر فعالیت در شهرها تعیین شده است و پس از سنجش این نماگرها، شهرها منطقه با استفاده از مدل تاپسیس رتبه‌بندی شده‌اند. در ادامه به ارائه نتایج این تحلیل می‌پردازیم.

1 Bryson

2 Threats, Opportunities, Weaknesses, Strengths

3 Quantitative Strategic Planning Matrix

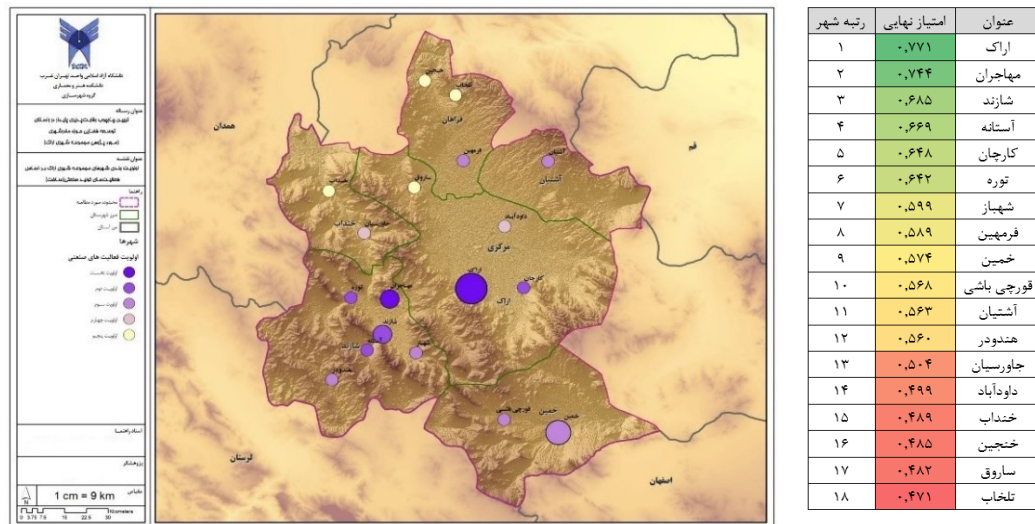
تخصیص فعالیت به سکونتگاه‌های شهری و شهرستان‌ها

تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های تولید صنعتی و ساخت: به‌منظور تحلیل قابلیت توسعه فعالیت‌های تولید صنعتی (ساخت) در منطقه، نماگرها به‌منظور سنجش وضعیت هر شهر به شرح جدول (۳) شناسایی شده است. این نماگرها به‌گونه‌ای معرفی شده‌اند که بتوان وضعیت هر شهر را از منظور مؤلفه‌های مختلف (زیرساختی، فعالیت‌های پشتیبان، پذیرش اجتماعی و محیطی و تعاملات بیرونی با منطقه) مورد تحلیل قرار داد.

جدول (۳): مؤلفه‌ها و نماگرهای مورداستفاده برای تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های تولید صنعتی (ساخت)

مؤلفه	نماگر
زیرساخت	نزدیکی به خطوط ریلی (کیلومتر)
	نزدیکی به پست برق (کیلومتر)
	دسترسی به خطوط انتقال برق (کیلومتر)
	دسترسی به خطوط فیبر نوری (کیلومتر)
	دسترسی به راه‌های اصلی (آزادراه و بزرگراه) (کیلومتر)
	دسترسی خطوط انتقال گاز (کیلومتر)
فعالیت پشتیبان	دسترسی به مراکز صنعتی و شهرک‌ها و نواحی صنعتی (کیلومتر)
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های استخراج معدن
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های تولید صنعتی (ساخت)
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های کشت و صنعت
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های آب‌رسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های ساختمان
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های حمل‌ونقل و انبارداری
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های اطلاعات و ارتباطات
	بهره بالای مکانی فعالیت‌های مالی و بیمه
پذیرش اجتماعی	بهره بالای مکانی فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
	بهره مکانی بالای فارغ‌التحصیلان و دانشجویان گروه علوم، ریاضی و کامپیوتر
پذیرش محیطی	بهره مکانی بالای فارغ‌التحصیلان و دانشجویان گروه مهندسی، تولید و ساخت
	مساحت بالای ارضی متناسب کشاورزی موجود در شعاع ۵ کیلومتری شهر (هکتار)
تعاملات بیرونی	فاصله تا نزدیک‌ترین معدن (کیلومتر)
	مساحت کمتر ارضی حفاظت‌شده در شعاع ۵ کیلومتری شهر (هکتار)
	فاصله از ایستگاه راه‌آهن (کیلومتر)
	فاصله تا نزدیک‌ترین فرودگاه (کیلومتر)

با استفاده از روش تاپسیس، شهرهای منطقه بر اساس تلفیق نماگرهای معرفی شده اولویت بندی شدند شکل (۳). بر این اساس، شهرهای "اراک"، "مهاجران" و "شازند" برای فعالیت تولید صنعتی (ساخت) در رتبه های اول تا سوم و شهرهای "تلخاب"، "ساروق" و "حنجین" در رتبه های آخر قرار گرفته اند. در شکل زیر رتبه بندی شهرهای منطقه به لحاظ قابلیت گسترش فعالیت های تولید صنعتی (ساخت) ارائه شده است. بر اساس نتایج حاصل از بررسی شاخص ها و نماگرهای مربوط به فعالیت های بخش صنعت مهم ترین عوامل مؤثر بر رتبه بالا شهرهای "اراک"، "مهاجران" و "شازند" مؤلفه های زیرساختی و محیطی است که به افزایش رتبه شهرهای یاد شده منجر شده است و همچنین با بهبود فعالیت های پشتیبان تولید می توان وضعیت شهرها را در این رتبه بهبود بخشید. از سوی دیگر شهرهایی که در انتهای جدول قرار دارند نیز به واسطه امتیاز کم در دسترسی به زیرساخت ها به این رتبه دست یافته اند و بهبود زیرساخت ها نقش مؤثری در بهبود رتبه این شهرها خواهد داشت.



شکل (۳): رتبه بندی شهرهای منطقه از منظر فعالیت های تولید صنعتی (ساخت)

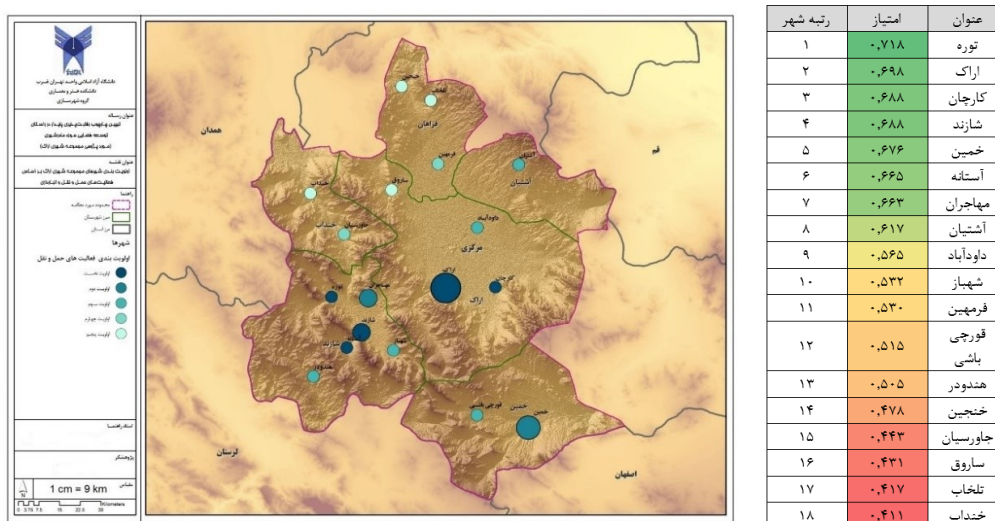
تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت حمل و نقل و انبارداری: برای سنجش وضعیت منطقه از منظر فعالیت حمل و نقل و انبارداری، از مؤلفه ها و نماگرهای جدول (۴) استفاده شده است.

جدول (۴): مؤلفه ها و نماگرهای مورد استفاده برای تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت حمل و نقل و انبارداری

نماگر	مؤلفه
نزدیکی به راه های اصلی (کیلومتر)	زیرساخت
دسترسی به خطوط انتقال گاز (کیلومتر)	
بهره مکانی شاغلین فعالیت های کشاورزی، جنگلداری و بهره مکانی شاغلین فعالیت های ماهیگیری	فعالیت های پشتیبان
استخراج معدن	
بهره مکانی شاغلین فعالیت های تولید صنعتی (ساخت)	
بهره مکانی شاغلین فعالیت های کشت و صنعت	

مؤلفه	نماگر
بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های ساختمان	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های خدماتی بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های مربوط به تأمین جا و غذا
	فعالیت‌های مالی و بیمه
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های حمل‌ونقل و انبارداری
پذیرش اجتماعی	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های فارغ‌التحصیلان و دانشجویان مهندسی، تولید و ساخت
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های فارغ‌التحصیلان و دانشجویان خدمات
	نزدیکی به خطوط ریلی (کیلومتر)
پذیرش محیطی	نزدیکی به مراکز صنعتی (کیلومتر)
	نزدیکی به مراکز لجستیک و انبارها (کیلومتر)
	نزدیکی به معادن (کیلومتر)
تعاملات بیرونی	نزدیکی به ایستگاه راه‌آهن (کیلومتر)
	نزدیک به فرودگاه (کیلومتر)
	نزدیکی به ترمینال‌های مسافری (کیلومتر)
	نزدیکی به ترمینال باربری (کیلومتر)

با استفاده از روش تاپسیس، مؤلفه‌ها و نماگرها تلفیق شده است. بر اساس جدول فوق، شهرهای "توره"، "اراک"، "کارچان" و "شازند" بیشترین امتیاز را در میان شهرهای منطقه دارند، که مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر امتیاز بالاتر این شهرها نسبت به سایر شهرها، پذیرش اجتماعی، وجود زیرساخت‌های مناسب و دسترسی به شریان‌های اصلی منطقه بوده است. این در حالی است که شهرهای "خنداب"، "تلخاب" و "ساروق" کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند، که مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر رتبه پایین این شهرها پذیرش اجتماعی و کمبود نیروهای فعال و متخصص در حوزه فعالیت‌های بخش حمل‌ونقل و انبارداری است. شکل (۴).



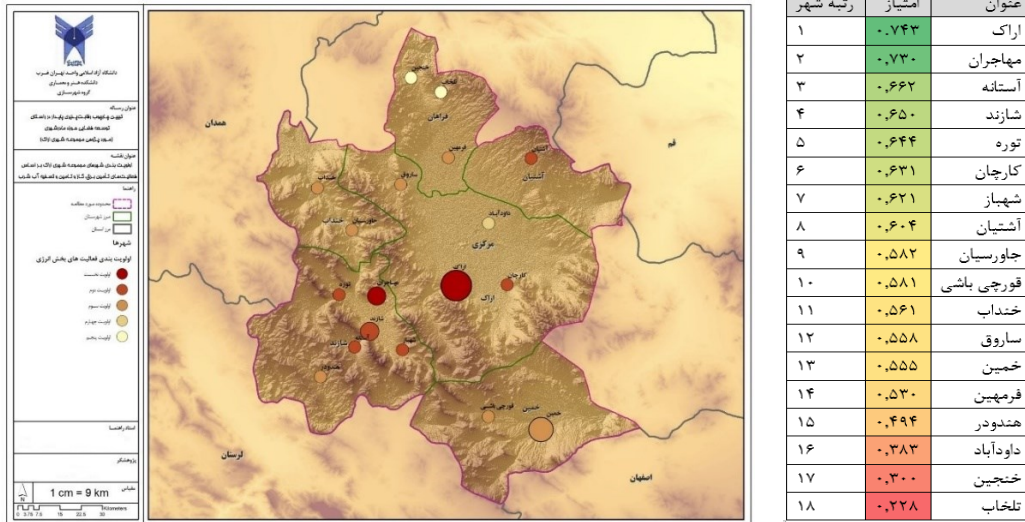
شکل (۴): رتبه‌بندی شهرهای منطقه از منظر فعالیت حمل‌ونقل و انبارداری

تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب: برای سنجش وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب، از نماگرهای جدول (۵) استفاده شده است.

جدول (۵): نماگرهای مورداستفاده تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب

مؤلفه	نماگر
زیرساخت	نزدیکی به پست برق (کیلومتر)
	نزدیکی به خطوط فیبر نوری (کیلومتر)
فعالیت پشتیبان	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های تولید صنعتی (ساخت)
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشت و صنعت
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های مالی و بیمه
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
	نزدیکی به مراکز صنعتی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی (کیلومتر)
پذیرش اجتماعی	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های آب‌رسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
	بهره مکانی دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم، ریاضی و کامپیوتر
	بهره مکانی دانشجویان و دانش‌آموختگان مهندسی، تولید و ساخت
پذیرش محیطی	نزدیکی به سدها (کیلومتر)
	نزدیکی به نیروگاه‌های برق (کیلومتر)
تعاملات بیرونی	نزدیکی به خطوط اصلی انتقال انرژی (کیلومتر)
	نزدیکی به خطوط انتقال اتیلن (کیلومتر)
	نزدیکی به خطوط انتقال گاز (کیلومتر)

در نهایت با استفاده از مؤلفه‌ها و نماگرهای فعالیت‌های تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب و با کمک مدل تاپسیس، جایگاه هر شهر مشخص شد. با توجه شکل (۵)، شهر "اراک" با امتیاز ۰,۷۴ بالاترین جایگاه را در میان سکونتگاه‌های منطقه دارد و پس از آن شهرهای "مهاجران" و "شازند" به ترتیب با ۰,۷۳ و ۰,۶۶ امتیاز در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر امتیاز این شهرها وجود تعاملات بیرونی و پذیرش اجتماعی بوده است، به علاوه این که این شهرها از زیرساخت مناسب برای توسعه این فعالیت برخوردار بوده‌اند. همچنین شهر "تلخاب" با ۰,۲۳ امتیاز در جایگاه آخر قرار گرفته است، که مهم‌ترین مؤلفه در وضعیت این شهر عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و تعاملات بیرونی بوده است.



شکل (۵): رتبه‌بندی شهرهای منطقه از منظر فعالیت‌های تأمین برق، گاز و تأمین و تصفیه آب شرب

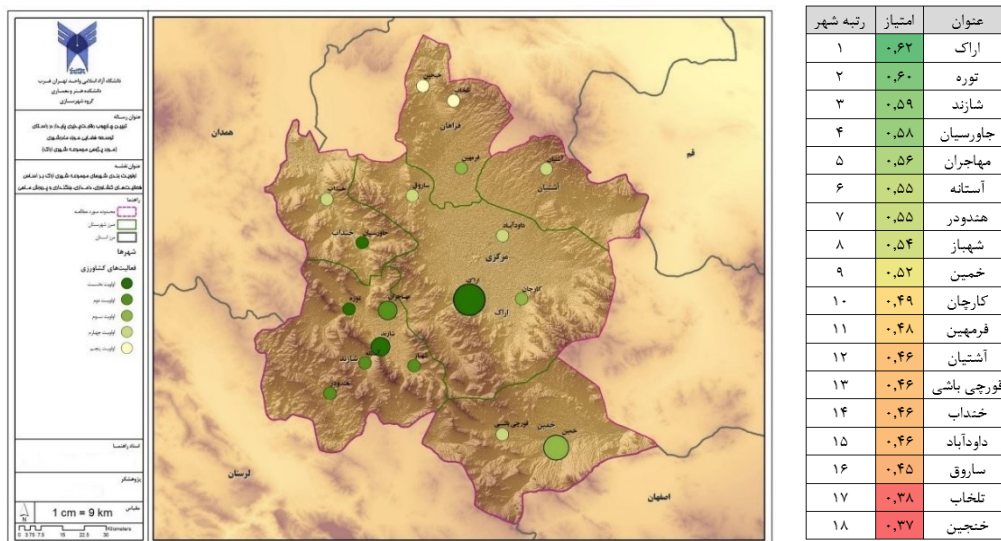
تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی: برای سنجش وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی، از نماگرهای جدول (۶) استفاده شده است.

جدول (۶): مؤلفه‌ها و نماگرهای مورداستفاده برای تحلیل وضعیت منطقه از منظر فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی

مؤلفه	نماگر
زیرساخت	نزدیکی به سدها (کیلومتر)
	نزدیکی به مراکز لجستیک و انبارها (کیلومتر)
	دسترسی به خطوط انتقال برق (کیلومتر)
	دسترسی به راه‌های اصلی (کیلومتر)
	دسترسی به خطوط انتقال گاز (کیلومتر)
فعالیت‌های پشتیبان	نزدیکی به مراکز صنعتی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی (کیلومتر)
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های تولید صنعتی (ساخت)
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشت و صنعت
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های آب‌رسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
	حمل‌ونقل و انبارداری
پذیرش اجتماعی	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های مالی و بیمه
	جمعیت روستایی ساکن در ۷.۵ کیلومتری شهرها(نفر)

مؤلفه	نماگر
	تعداد روستاهای در ۷٫۵ کیلومتری شهرها
	بهره مکانی شاغلین فعالیت‌های کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
	بهره مکانی دانش‌آموختگان و دانشجویان کشاورزی و دامپزشکی
پذیرش محیطی	اراضی کشاورزی موجود در شعاع ۵ کیلومتری شهر (کیلومتر مربع)
	ارضی متناسب کشاورزی موجود در ۵ کیلومتری شهر (کیلومتر مربع)
	نزدیکی به رودخانه‌ها (کیلومتر)
تعاملات بیرونی	نزدیکی به ایستگاه راه‌آهن (کیلومتر)
	نزدیکی به فرودگاه (کیلومتر)
	نزدیکی به ترمینال باربری (کیلومتر)

با استفاده از مدل تاپسیس و مؤلفه‌ها و نماگرهای فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی، وضعیت هر یک از شهرهای منطقه مشخص شد. به این ترتیب، سه شهر "اراک"، "توره" و "شازند" بالاترین امتیاز را در منطقه به خود اختصاص داده‌اند، که مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر وضعیت این شهرها وجود زیرساخت‌ها و فعالیت‌های پشتیبان است. این در حالی است که شهر "خنجین" به واسطه رتبه پایین در مؤلفه‌های زیرساختی، تعاملات بیرونی و پذیرش اجتماعی در انتها قرار گرفته است. شکل (۶).



شکل (۶): رتبه‌بندی شهرها فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، جنگلداری و پرورش ماهی

تدوین چشم‌انداز و راهبرد نویسی

تدوین اصول راهنمای توسعه ناحیه اراک با تأکید بر رقابت‌پذیری پایدار: بر اساس مطالعات مبانی نظری و تجربی و همچنین ارزیابی و تحلیل صورت پذیرفته در وضعیت رقابت‌پذیری ناحیه اراک اصول راهنمایی به‌منظور تدوین راهبردهای توسعه این منطقه طرح شده است که عبارت‌اند از؛

الف) حکمروایی خوب و شایسته

ب) یکپارچگی فضایی و بخشی

ج) بومی و درون‌زا

د) کم‌مصرف و پربازده

ه) برون‌نگر و همکارانه

و) تاب‌آور و متنوع

ی) خوداتکا

چشم‌انداز و اهداف توسعه رقابت‌پذیری پایدار در ناحیه اراک: ناحیه اراک در افق چشم‌انداز خود در سال ۱۴۱۵ به‌گونه‌ای توسعه یافته است که؛

توسعه اقتصادی در آن برآمده از توان و ظرفیت محیط طبیعی و سرمایه‌های انسانی است. به‌واسطه مدیریت کارآمد و بازرگانی تولیدات صنعتی و کشاورزی و صادرات بخش انرژی، رونق و پویایی اقتصادی منجر به بهبود معیشت ساکنین در مناطق شهری و روستایی شده است و درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به‌طور عادلانه بین ساکنین توزیع شده است. محیط‌زیست پایدار این منطقه نویدبخش توسعه بلندمدت و آینده‌نگر و جاذب سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع سنگین و میانی و بخش انرژی است. اکنون محصولات صنعتی و انرژی تولیدی در منطقه به‌عنوان برندی برای منطقه در سطح کشور است و محصولات صنعتی و انرژی تولیدی این منطقه را به‌عنوان یک از قطب‌های درآمدزای کشور بدل کرده است.

با توجه به چشم‌انداز تشریح شده و بر پایه مثال کلیدی یادشده و بر مبنای اصول تشریح شده، اهداف توسعه ناحیه اراک با تأکید بر رقابت‌پذیری پایدار به شرح زیر است:

– منطقه‌ای یکپارچه با مدیریت کارآمد و همه‌جانبه‌نگر و بازرگانی فعال در بخش محصولات صنعتی و انرژی؛

– اقتصاد صنعتی فناور، تاب‌آور، خوداتکا و کم‌مصرف و پربازده، وابسته به منابع طبیعی و سرمایه‌های انسانی؛

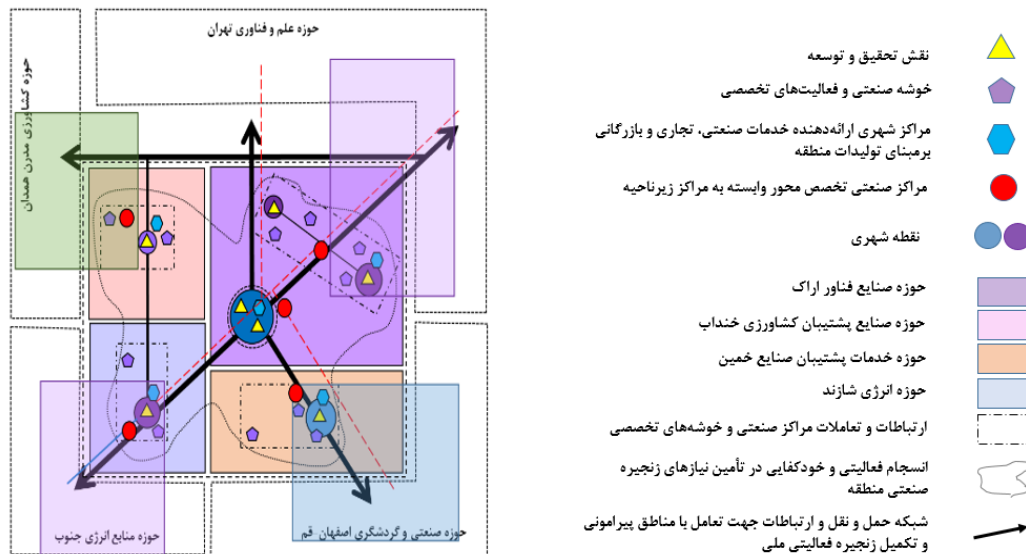
تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه ناحیه اراک با تأکید بر رقابت‌پذیری پایدار: در ادامه با استفاده از روش SWOT راهبردهای توسعه ناحیه بر اساس اهداف فوق تدوین شده و با استفاده از روش QSPM اولویت‌بندی شده است. جدول (۷). با توجه به راهبردهای تدوین‌شده برای توسعه رقابت‌پذیری پایدار در سطح ناحیه سیاست‌های زیر جهت پیشبرد راهبردها تدوین شده است.

جدول (۷): اولویت‌بندی راهبردهای پیشنهادی با روش QSPM و سیاست‌های توسعه فضایی ناحیه اراک

اولویت	راهبرد	امتیاز	سیاست
۱	تقویت زیرساخت‌های کالبدی و نهادی مرتبط با توسعه صنایع فناور و پاک در منطقه؛	۵,۲۷	توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در منطقه؛ توسعه ارتباطات با مراکز دانشگاهی و مراکز فناوری و نوآوری داخل و خارج منطقه؛ تخصیص مشوق و موانع قانونی و مالی برای صنایع بر اساس میزان فناوری و حفاظت از محیط‌زیست؛ سرمایه‌گذاری در توسعه بخش انرژی و افزایش بهره‌وری انرژی در بخش صنعت؛
۲	تقویت شهرهای ارائه‌دهنده خدمات صنعتی و کشاورزی در منطقه به‌منظور تأمین نیاز منطقه و مناطق صنعتی پیرامون؛	۴,۸۱	اعطای مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در شهرهای رده دوم؛ تقویت ارتباط با شهرها و مراکز فعالیتی خارج از منطقه؛
۳	تقویت بخش تحقیق و توسعه استفاده از فناوری‌های نوین در توسعه صنعتی؛	۴,۵۰	سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های نوین و استارت‌آپ‌های صنعتی؛ ایجاد پارک‌های علم و فناوری بر اساس تخصص‌های صنعتی منطقه؛
۴	نهادسازی در بخش‌های صنعت و خدمات صنعتی به‌منظور افزایش تعاملات فکری و تجربی؛	۴,۴۲	ایجاد انجمن‌های صنفی مرتبط با کارکنان بخش صنعت و خدمات صنعتی؛ ایجاد مراکز اجتماعی و تعاملی در حوزه‌های فعالیت صنعتی؛ ایجاد مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای صنعتی؛
۵	تقویت خوشه‌های صنعتی با تأکید بر صنایع پایین‌دستی؛	۴,۳۰	ایجاد صنایع پشتیبان کشاورزی در پهنه‌های غربی منطقه؛ ایجاد شهرک صنعتی تخصصی محصولات شیمیایی؛
۶	ایجاد شهرک‌های تخصصی بر پایه فعالیت‌های صنعتی منطقه؛	۳,۸۰	ایجاد شهرک صنعتی تخصصی محصولات شیمیایی؛ ایجاد و مکان‌یابی شهرک تخصصی انرژی؛ ایجاد و مکان‌یابی شهرک صنعتی محصولات شیمیایی؛
۷	تقویت مراکز شهری ارائه‌دهنده خدمات صنعتی، تجاری و بازرگانی بر مبنای تولیدات منطقه؛	۳,۴۵	ایجاد فعالیت‌های تجاری، بازرگانی، مالی در شهرهای رده دوم منطقه؛ تکمیل زنجیره‌های تأمین تا عرضه محصولات تولیدی و کالاهای اساسی منطقه؛
۸	حوزه‌بندی منطقه بر اساس ظرفیت‌های محیطی و فعالیتی به‌منظور توسعه فعالیت‌های صنعتی و خدمات؛	۳,۲۸	تعیین حوزه‌های تخصصی برای زیرمناطق در ۴ بخش، صنایع فناور، صنایع کشاورزی، انرژی و خدمات پشتیبان صنعتی؛ اعطای تسهیلات مالی راه‌اندازی فعالیت‌های تخصصی بر اساس موقعیت کارگاه فعالیتی؛
۹	تقویت روابط همکارانه بین منطقه‌ای بر مبنای توسعه صنعتی و خدمات صنعتی؛	۳,۲۳	بازاریابی خدمات و تولیدات صنعتی در مناطق صنعتی پیرامون ناحیه؛ افزایش تعامل با مراکز آموزش عالی در خارج از منطقه؛ ارائه تسهیلات مالی برای جذب سرمایه‌های خارج از منطقه؛
۱۰	تقویت خدمات ترانزیتی (صادرات و واردات) و تأمین انرژی در منطقه با سرمایه‌گذاری مشترک؛	۳,۱۵	توسعه فعالیت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت در شهرستان فراهان با توجه به ظرفیت‌های آن؛ توسعه فعالیت‌های بخش انرژی در شهرستان شازند؛ ارائه تسهیلات بلندمدت به‌منظور تولید انرژی خورشیدی؛
۱۱	توسعه صادرات تولیدات صنعتی و تأمین ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی برای مناطق پیرامون؛	۳,۱۱	توسعه خدمات پشتیبان صنعت در شهرستان خمین؛ ایجاد مراکز بازاریابی و در شهر خمین؛ توسعه صنایع پشتیبان کشاورزی در شهرستان خنداب؛

اولویت	راهبرد	امتیاز	سیاست
			افزایش تعامل تجاری بین شهرستان خنداب و استان همدان؛
۱۲	تقویت بخش انرژی و صنایع پشتیبان کشاورزی در پهنه‌های دارای ظرفیت در منطقه و صادرات محصولات فرآوری شده؛	۳,۱۰	تسهیل قوانین کسب‌وکار در بخش فعالیت مرتبط با انرژی؛ ارائه تسهیلات بلندمدت به منظور تولید انرژی خورشیدی؛ ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی مرتبط با فرآوری محصولات کشاورزی در شهرستان خنداب؛
۱۳	تقویت زیرساخت‌های کالبدی و بهبود فضای کسب‌وکار در حوزه خدمات تجاری و مالی؛	۲,۹۲	توسعه زیرساخت‌های تجارت الکترونیک در شهرستان‌های پیرامونی اراک؛ تسریع توسعه زیرساخت‌ها حمل‌ونقل جاده‌ای از طریق تجمیع سرمایه، نیروی کار و تجهیزات شهرداری‌های منطقه (ایجاد کمیته مشترک توسعه منطقه‌ای)؛
۱۴	تقویت روابط خارجی و استفاده از سرمایه‌گذاری‌های مشترک به منظور توسعه فناوری در تولیدات صنعتی؛	۲,۸۷	ایجاد کمیسیون مشترک بازرگانی با حضور صنعت‌گران و بازرگانان منطقه؛ توسعه ارتباطات با مراکز دانشگاهی و مراکز فناوری و نوآوری داخل و خارج منطقه؛

در نهایت، ساختار کلی منطقه بر اساس راهبردهای تدوین شده به صورت شکل (۷) ترسیم شده است.



شکل (۷): ساختار پیشنهادی ناحیه اراک

نتیجه‌گیری

طی سال‌های اخیر استراتژی‌های توسعه منطقه به صورت روشنی به سمت مفهوم رقابت‌پذیری تغییر مسیر داده است، در این تغییر مسیر استراتژی‌ها، هدف نهایی برای تمامی سیاست‌گذاری‌ها توسعه منطقه‌ای ایجاد مزیت اقتصادی از طریق بهبود عملکرد و بهره‌وری و تسهیل قوانین جهت جذب شرکت‌های جدید بوده است و این

سیاست‌های رقابت‌پذیری در توسعه مناطق، برآمده از روابط سرمایه‌داری به رشد اقتصادی نامحدود تمایل داشته‌اند (بريستو، ۲۰۱۰). بر اساس این سیاست‌گذاری‌ها در توسعه منطقه‌ای، نباید انتظار داشت که مناطقی که محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و محیطی دارند در فرایند توسعه منطقه‌ای بر مبنای رقابت‌پذیری وارد شوند، در نتیجه شاید این خطر برای نواحی و مناطق حاشیه‌ای کمتر توسعه‌یافته وجود داشته باشد که در توسعه منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا نکنند و بر این اساس آن‌چنان‌که در توسعه پایدار و همه‌جانبه هدف‌گذاری شده است، توسعه منطقه‌ای بر مبنای سیاست‌های رقابت‌پذیر برخاسته از روابط سرمایه‌داری محکوم به شکست است، یا حداقل از اهداف واقعی توسعه بازخواهد ماند. با توجه به این هشدار جدی در زمینه راه نادرست سیاست‌گذاری‌های رقابت‌پذیری در توسعه منطقه‌ای برشتو (۲۰۱۰) اشاره می‌کند که سیاست‌گذاری رقابت‌پذیری را می‌توان با گفتمانی جدید بر خواسته از ادبیات توسعه پایدار مورد توجه قرار داد، به نحوی که سیاست‌گذاری‌های رقابت‌پذیری منطقه "انعطاف‌پذیر" و "همه‌شمول" باشد. در واقع با توجه به ذات متنوع مناطق نمی‌توان انتظار داشت که مناطق مختلف بر مبنای یک سری سیاست‌های یکسان در مسیر توسعه گام بردارند و باید در سیاست‌گذاری‌های توسعه منطقه‌ای بر موضوع شمولیت مکانی-اجتماعی، تنوع و بومی‌نگری توجه داشت. بر این اساس می‌توان مفهوم رقابت‌پذیری پایدار را بر مبنای یک رویکرد "مشترک‌المنافع" و "همه‌شمول" برای محیط و جامعه محلی مورد نظر قرار داد که در بردارنده "حداکثر منافع اقتصادی" در درازمدت برای جامعه است. جامعه‌ای که توانایی‌هایی دارد و بر مبنای این توانایی‌ها می‌تواند زمینه توسعه خود را فراهم آورد، آن را تقویت کند و تنوع بخشد و از ماندگاری آن حفاظت نماید.

همان‌طور که مشاهده شد، در پژوهش حاضر به مکانیابی و تحلیل فضایی فعالیت‌های دارای برتری رقابتی در ناحیه اراک پرداخته شد، به طوری که بتوان به پایداری توسعه در منطقه کمک کرد. بر این اساس، رتبه‌بندی شهرها جهت پذیرش فعالیت‌ها در راستای پایداری توسعه ناحیه به شرح زیر است:

- بر اساس تحلیل مکانی شاخص‌های مرتبط با فعالیت "تولید صنعتی (ساخت)" شهرهای "اراک"، "مهاجران" و "شازند" در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رتبه بالا این شهرها مؤلفه‌های زیرساختی و محیطی است که به افزایش رتبه شهرهای یادشده منجر شده است و با بهبود فعالیت‌های پشتیبان تولید می‌توان وضعیت شهرها را در این رتبه بهبود بخشید. شهرهای "تلخاب"، "ساروق" و "خنجین" به واسطه امتیاز کم در دسترسی به زیرساخت‌ها در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند. بهبود زیرساخت‌ها نقش مؤثری در بهبود رتبه این شهرها خواهد داشت.
- بر اساس تحلیل مکانی شاخص‌های مرتبط با فعالیت "حمل‌ونقل و انبارداری" شهرهای "توره"، "اراک"، "کارچان" و "شازند" بیشترین امتیاز را در میان شهرهای منطقه دارند. مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر امتیاز بالاتر این شهرها نسبت به سایر شهرها، پذیرش اجتماعی، وجود زیرساخت‌های مناسب و دسترسی به شریان‌های اصلی منطقه بوده است. این در حالی است که شهرهای "خنداب"، "تلخاب" و "ساروق" کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند. که مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر رتبه پایین این شهرها پذیرش اجتماعی و کمبود نیروهای فعال و متخصص در حوزه فعالیت‌های بخش حمل‌ونقل و انبارداری است.

- در فعالیت "تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا و تأمین و تصفیه آب شرب" شهر "اراک" با امتیاز ۰,۷۴ بالاترین جایگاه را در میان سکونتگاه‌های منطقه دارد. پس از آن شهرهای "مهاجران" و "شازند" به ترتیب با ۰,۷۳ و ۰,۶۶ امتیاز در جایگاه بعدی قرار دارند. مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر امتیاز این شهرها وجود تعاملات بیرونی و پذیرش اجتماعی بوده است؛ به‌علاوه این‌که این شهرها از زیرساخت مناسب برای توسعه این فعالیت برخوردار بوده‌اند. همچنین شهر "تلخاب" با ۰,۲۳ امتیاز در جایگاه آخر قرار گرفته است. مهم‌ترین مؤلفه در وضعیت این شهر عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و تعاملات بیرونی بوده است.
- بر اساس تحلیل مکانی شاخص‌های مرتبط با فعالیت "کشاورزی، باغداری و دامداری و پرورش آبزیان" سه شهر "اراک"، "نوره" و "شازند" بالاترین امتیاز را در منطقه به خود اختصاص داده‌اند. مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر وضعیت این شهرها وجود زیرساخت‌ها و فعالیت‌های پشتیبان است. این در حالی است که شهر "خنجین" به‌واسطه رتبه پایین در مؤلفه‌های زیرساختی، تعاملات بیرونی و پذیرش اجتماعی در انتها قرار گرفته است.

درنهایت پس از ترسیم چشم‌انداز توسعه در ناحیه اراک، راهبردها و سیاست‌های توسعه فضایی نیز تدوین شده است. ازجمله سیاست‌های تدوین‌شده جهت توسعه فضایی منطقه می‌توان به توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، سرمایه‌گذاری در بخش فناوری‌های نوین، ایجاد صنایع پشتیبان کشاورزی در پهنه غربی منطقه، ایجاد شهرک صنعتی تخصصی محصولات شیمیایی، توسعه خدمات پشتیبان صنعت در شهرستان خمین، توسعه صنایع پشتیبان کشاورزی در شهرستان خنداب، توسعه فعالیت‌های بخش انرژی در شهرستان شازند، ایجاد شهرک‌های صنعتی تخصصی مرتبط با فراوری محصولات کشاورزی در شهرستان خنداب، توسعه فعالیت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت در شهرستان فراهان، ایجاد فعالیت‌های تجاری، بازرگانی و مالی در شهرهای رده دوم منطقه، تکمیل زنجیره‌های تأمین تا عرضه محصولات تولیدی و کالاهای اساسی منطقه، افزایش تعامل تجاری بین شهرستان خنداب و استان همدان، توسعه زیرساخت‌های تجارت الکترونیک در شهرستان‌های پیرامونی اراک و... اشاره کرد.

منابع

- پورصفوی، مسعود؛ جعفری، شاهین. (۱۳۹۶). ارزیابی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در مناطق شهری عملکردی استان مازندران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۴): ۸۰۷-۸۲۰.
- جمالی، فیروز؛ روستایی، شهرپور؛ یاپنگ غراوی، محمد. (۱۳۹۷). ارزیابی الگوی علی معیارهای مؤثر بر رقابت‌پذیری شهری با رویکرد دیمتل فازی. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۶: ۱۵-۳۳.
- داداش‌پور، هاشم و همکاران. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل روند توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی در شهرستان‌های آذربایجان غربی. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، ۱۱: ۱۷۳-۲۰۸.
- داداش‌پور، هاشم؛ ده‌ده جانی، مهدی. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت‌پذیری منطقه‌ای، مورد مطالعاتی استان کردستان. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵(۱۹): ۲۷-۴۲.

- داداش پور، هاشم؛ احمدی، فرانک. (۱۳۸۹). رقابت پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه‌ی منطقه‌ای. مجله راهبرد توسعه، ۲۲: ۵۱-۸۰.
- رفیعیان، مجتبی؛ فرجام، رسول. (۱۳۹۰). تأثیر فرایند جهانی شدن بر ساختار شبکه شهری جهان. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۷(۲): ۱۰۵-۱۴۵.
- زیاری، کرامت الله. (۱۳۹۰). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- زیاری، کرامت الله. (۱۳۹۰). مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ ملک پور اصل، بهزاد. (۱۳۹۲). مبانی نظری و تجارب به‌کارگیری ماتریس تحلیلی سوات (SWOT) در برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه منطقه‌ای. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۴). چشم‌انداز شهر/محلّه پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز. نشریه هنرهای زیبا: ۲۵-۳۶.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵. سایت مرکز آمار ایران (amar.org.ir).
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰. سایت مرکز آمار ایران (amar.org.ir).
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵. سایت مرکز آمار ایران (amar.org.ir).
- Annoni, P.; Dijkstra, L. (2019), **Regional Competitiveness Index**, EU regional and urban development, Regional and Urban Policy.
- Annoni, P.; Dijkstra, L. (2017), **Measuring and monitoring regional competitiveness in the European Union**. In Huggins, R. and Thompson P. (Eds.): Handbook of Regions and Competitiveness Contemporary Theories and Perspectives on Economic Development, Edward Elgar Publishing 49-79.
- Bellu, L.; Cistulli, V.; Marta, S.; Timpano, F. (2011). **Assessing regional competitiveness: analysis of stock indicators and flows variables**.
- Bristow, G. (2010), **resilient regions: re-‘place’ing regional competitiveness**, Cambridge **Journal of Regions**, Economy and Society, 3, 153-167.
- Bristow, G. (2005), **every one's a Winner: Problematizing the Discourse of Regional Competitiveness**, Journal of Economic Geography, 5: 285-304.
- Camagani, R. (2002), **On the Concept of Territorial Competitiveness: Sound of Misleading?**, Journal of Urban Studies, 39: 2367-2376.
- Dijkstra, L.; Annoni, P.; Kozovska, K. (2011), **a New Regional Competitiveness Index: Theory, Methods and Findings**, European Commission.
- Dinis, A. (2004), **Territorial Marketing: A Useful Tool for Competitiveness of Rural and Peripheral Areas**, 44th European Congress of Porto, 25-29.
- Huggins, R.; Izushi, H.; Thompson, P. (2013), **Regional Competitiveness: Theories and Methodologies for Empirical Analysis**, The Business and Economics Research Journal, 6, 155-170.
- Kurgan, P. R. (1994), **Competitiveness: a Dangerous Obsession**, Journal of Foreign Affairs, ۳۷: 28-44.

Lengyel, I. (2004), **the Pyramid Model: Enhancing Regional Competitiveness in Hungary**, Acta Oeconomica, 54: 323-342.

Porter, M. E. (1990), **the Competitiveness Advantage of Nations**, the Free Press, New York: 71-91.

پیوست ۱: نحوه تعیین فعالیت‌های رقابت‌پذیر پایدار در ناحیه اراک

برای تعیین فعالیت‌های رقابت‌پذیر پایدار با استفاده از روش‌های اسنادی و تحلیل محتوا نماگرهای مناسب جهت سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی و رقابت‌پذیری ناحیه اراک استخراج شده‌اند. فعالیت‌های زمینه‌ای با استفاده از روش‌های ضریب مکانی، تحلیل تغییر سهم، صادرات به سایر استان‌ها و ظرفیت طبیعی منطقه استخراج شدند. در نهایت با استفاده از فن تاپسیس و بر اساس دو معیار فعالیت‌های اقتصادی دارای رقابت نخستین و پایداری رقابت در فعالیت‌های اقتصادی برتر، فعالیت‌های پایدار دارای برتری رقابتی جهت کاربست در منطقه تعیین شدند (جدول ۸). بر این اساس فعالیت تولید صنعتی (ساخت)، تأمین برق، گاز، بخار، تهویه هوا و تأمین و تصفیه آب شرب، حمل‌ونقل و انبارداری و فعالیت‌های کشاورزی، دامداری جنگلداری و پرورش آبزیان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جدول (۸): فرایند تعیین فعالیت‌های رقابت‌پذیر پایدار در ناحیه اراک

گام	روش	داده	خروجی
گام اول: تعیین فعالیت‌های دارای زمینه	روش بهره مکانی	اشتغال به تفکیک گروه‌های فعالیتی در سال ۱۳۹۰	تعیین فعالیت‌های دارای زمینه در منطقه
	روش تغییر سهم	اشتغال به تفکیک گروه‌های فعالیتی در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵	
	تحلیل صادرات و واردات از/به گمرکات منطقه	میزان صادرات از گمرکات منطقه به تفکیک نوع کالا و کشور مبدأ و مقصد	
گام دوم: تعیین فعالیت‌های رقابت‌پذیر پایدار (پایداری و رقابت اولیه) از فعالیت‌های دارای زمینه	شاخص سازی بر مبنای مدل نظری	داده‌های پایش کیفیت محیط کسب‌وکار - داده‌های تحصیلات و اشتغال در گروه‌های فعالیتی و سایر داده‌های ارائه شده در لایه اطلاعاتی تناسب اراضی از برنامه آمایش استان - سالنامه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی - داده‌های اشتغال و تحصیلات سال ۱۳۹۰	تعیین فعالیت‌های پایدار که دارای برتری رقابتی هستند از بین فعالیت‌هایی که در مرحله قبل تعیین شد.
	تکنیک تلفیق TOPSIS	نماگرهای تعیین شده برای هر فعالیت	امتیاز به فعالیت‌ها بر اساس پایداری و برتری رقابت

منبع: زیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۷